

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاریخچه پرورش اسب

در دوره نوسنگی انسان با اختراع کشاورزی و اهلی کردن برخی از جانوران وحشی غول آسا قدمی در جهت تسلط واقعی و عملی بر محیط خویش برداشت. شکارگر سرگردان به اجتماعی سازمان یافته پیوست که در روستاهای محاصره شده با مزارع کشت شده به زندگی ادامه داد در این روند تکامل است که برای اولین بار انگیزه شهرنشینی و زندگی اجتماعی بوجود آمد و تمدن هایی چون بین النهرین ، آناتولیا ، ایران و غیره پدید آمد.

ایرانیان دارای کهن ترین تمدن ها می باشند. کشور عزیز ما ایران با چندین هزار سال تاریخ آغشته به خون خود یکی از کهن ترین تمدن هاست. ایرانیان اولین قومی بودند که به رام کردن و تربیت اسب پرداختند. آنان از اسب برای شخم زدن ، حمل و نقل و بارکشی استفاده می کردند و در کنار خانه هایشان جایگاه هایی که امروزه به آن اصطبل می گویم مهیا کردند و در واقع در کنار یکدیگر زندگی می کردند که طبیعی است چنین زندگی ای علاقه، اهمیت و صمیمیت بوجود می آورد. اسب از جانورانی است که از آغاز در میان آریاییها و در فرهنگ اقتصادی و اعتقادی ایرانیان جایگاه ویژه ای داشته است. مهاجرت آریاییها در هزارو چهارصد سال پیش از میلاد توسط ارابه های اسبی بوده است و ارابه های معروف آن ها از همه چیز بیشتر توجه تاریخ نگاران را به خود جلب کرده، به طوری که آنان همیشه با احترام و اهمیت از آن یاد کرده اند. در دوره مادها که به سال ۷۰۱-۵۵۴ قبل از میلاد بر می گردد و حدود بیشتر از یک و نیم قرن حکومت کردند در نبردهای خود اساسی ترین نقش را به سواره نظام داده بودند که همین امر باعث شد که کیاکسار سومین پادشاه ماد برای رویارویی با ارتش بزرگ آشور که در بین النهرین وجود داشت به تأسیس دسته سواره نظام بپردازد و بعد از اتحاد مادها-پارت ها و پارس ها که همگی آریایی بودند یورش و ارتش بزرگ و شکست ناپذیرآشور و شکست دادن آن قوم وحشی و از میان بردن نسل و نژاد آنها بیش آمد و این پیروزی دروازه ای برای ورود اسب آریین به دنیای عرب گردید. البته پیش از آن زمان هم اعراب اسب را از آشوریا گرفته بودند و آشوریا نیز اسب را در یورشهای متمادی قبلی از قوم آریین بدست آورده بودند. چینی ها در منابع فرهنگی خود از اسبان تیز تک اشکانی که موثرترین ابزار کار پارتیان بوده نام برده اند . پارت قومی است ایرانی و آریایی که مردان و اسبان جنگی بسیار خوبی داشته و واژه پارتیزان به معنی چریک جنگی از نام قوم پارت برداشته شد به دلیل چالاکگی و چابکی و جسارتشان در جنگ با دشمن.

در بازرگانی اشکانیان اسب بسیار مهم بوده است، هم برای حمل و نقل و هم برای فروش . اسبان را به جزایر و سرزمین های خلیج فارس می بردند و اعراب با خرید اسب در برابر خرما و همچنین بدست آوردن اسب ها از راه دزدی و غارت اسبهای موردنیاز خود را تا حدی تأمین می کردند. این را بایستی متذکر شویم که در آیین اول ایرانیان یعنی دین زرتشت و نیز در دین اسلام قربانی کردن اسب آزاد نبوده و این حیوان نجیب از سوی حضرت رسول اکرم (ص) مکروه اعلام شد تا این حیوان نسلش به انقراض کشیده نشود به شکلی که در حدیثی می فرمایند: " بر پیشانی اسبان تا قیامت خیر حک شده است و کسی که در راه خدا آنها را نگهداری و تیمار می نماید همانند کسی است که دست خود را به صدقه دادن گشوده و تا ابد هرگز نمی بندد. (فقیر نمی شود) "

بس به گواهی تاریخ و بدون هیچ تردیدی خاستگاه این چارهای برازنده، ایران بزرگ بوده است که محدوده آن از شمال به کرانه های دریاچه آرال، از شرق به دامنه های پامیر و ماورالنهر و از جنوب به کرانه های خلیج همیشگی فارس تا شمال آفریقا و از غرب به میان رودان (بین النهرین) تا سرزمین های بیزانس بوده است تا آنجا که می گویند در سراسر جهان اسبی یافت نمی شود که که خون اسب نژاد آرین در رگهایش جاری نباشد.

باستان شناسان از دل خاک سنگ نیشته هایی به جا مانده از خاکهای آبادانا، شوش و تخت جمشید بدست آورده اند که هرچه عمیق تر به آن می نگریم در آن نقشی از بیکر اسبان بیشتر نمود پیدا می کند. و حتی کشف اسکلت چند سوار و اسب در دسته آبادگیران و یا اشیاء دیگر همچون لگام و زین در مناطق لرستان و یک نوع اسب به نام هیپاریون در مرز چال مراغه کشف شده که اتکا ایرانیان را در امور سیاسی - نظامی و اقتصادی به اسب اثبات می کند.

اسب از دیرباز در خدمت انسان بوده است ، این حیوان بدست ایرانیان تربیت و به جهان عرضه شده است. اما اقوام دیگر میوه زحمات آرین را در چپاولگریهای بی رحمانه غارت کرده و حتی به نام خودشان نام گذاری کرده اند.

نام اسب در بین ایرانیان باستان به عنوان بخشی از نام انسانها بوده است ، مانند:

تهماسب = تهم + اسب به معنای اسب قهرمان یا دارنده اسب قهرمان

گشتاسب = گشت + اسب به معنای اسب گردنده، تیزرو و چوگانی، راهوار

جاماسب = جم + اسب به معنای اسب جمشید

نویسنده ای به نام امین نارسن در کتاب خود به نام تمدن شرق می گوید: "ایرانیان دلیر بوده و در سوارکاری و تیراندازی کمتر قومی به آنان می رسد. دیگر نویسندگان این را نوشته اند ولی من به چشم خود دیده ام."

هرودوت، نویسنده و مورخ یونانی که در ۲۱۰۰ سال پیش زندگی می کرده است می نویسد ایرانیان از پنج سالگی تا بیست سالگی سه چیز را می آموزند سوارکاری، تیراندازی و راستگویی. هرودوت در جایی دیگر می گوید: " خشایار شاه ایرانی در لشگرکشی به یونان به هنگام جنگ به منطقه ای به نام تسالی رسید، در آنجا شنید که اسبهای این سرزمین بهترین اسبهای یونان هستند پس دستور تاخت داد در این آزمایش اسبهای تسالی واپس ماندند ."

داریوش اول در سنگ نوشته تخت جمشید می گوید: " و سزاوار است پادشاهی که زاد و بومش دارای مردم خوب و اسبهای خوب است."

هرودوت می گوید رمه اسبهای سپاهیان هخامنشی در بابل نگهداری می شود که هشتصد اسب و شانزده هزار مادیان در آنجا پرورش می یابد.

اسب های زیادی در تاریخ ایران همواره به همراه سواران خود جاودانه گشتند و در کتابهای تاریخی و سینه های مردم ثبت شده اند مانند شباهنگ بیژن، شبیدیز خسرو پرویز، رخس رستم، غزال شاه عباس صفوی و حتی ذوالجناح، اسب سالار شهیدان، حسین بن علی (ع) که از نژاد ایرانی بوده است.

در نوروژ نامه قیام آمده است که از صورت چاربايان هیچ صورتی نیکوتر از اسب نیست و در قابوس نامه این جمله آمده که جهان به مردمان بهای است و مردمان به حیوان و نیکوترین حیوانات اسب است که داشتتنش هم کدخدایی است و هم ثروت.

اسب به دو صورت وارد بین النهرین شد اول از طریق آشوریا که قبلاً به ذکر آن پرداختیم و دوم همانطور که در کتاب اصل اسب به آن اشاره شده که می گوید هنگامی که اسب توسط بازرگانان فنقی (لبنانی) و ایرانی به عربستان و بین النهرین رسید نخستین خرید و فروشها در آن زمان انجام گرفت و تا مدتی نام این حیوان برای آن ها معلوم نبود و به آن (پاکورا) یا خرکوهی یا خرشرقی می گفتند. کولن در کتاب خود تحت عنوان نژاد اسب های اصل یا نژاد اسب های جهان می گوید در سال ۱۸۲۴ سواره نظام ارتش انگلیس در هندوستان دارای ۷۵۴۶ رأس اسب بود که همگی از نژاد اسب ایرانی و از ایران تهیه شده بودند و کسورات آنها هر ساله از ایران تأمین می شد.

در ماه اوت سال ۱۷۱۵ در زمان فتحعلی شاه قاجار به مناسبت روابط حسنه فی مابین دولت ایران و فرانسه یکی از نامی ترین اسبهای ایران به رسم پیشکش و هدیه به دربار ناپلئون بناپارت فرستاده شد و این همان اسبی است که ما در عکسهای ناپلئون او را سوار بر آن اسب سفید دیده ایم ، عکس این اسب توسط نقاشی به نام هوراس نقاشی شد.

اسم این اسب بر آوازه (جهان بیما) بود و پوست آن نیز اکنون در موزه لوور نگهداری می شود.

در فرهنگ سینه به سینه مردم کرمانشاه آمده است که نام این شهر کرمانشاه (پسر شاه ماد) بوده است چرا که این شهر ولیعهد نشین بوده و مرکز حکومت مادها در آن زمان هگمتانه – اکباتان یا همدان کنونی بوده است . در دشت مادی دشت که امروزه به آن ماهیدشت گفته می شود و در چند کیلومتری کرمانشاه واقع است، مرکز پرورش اصلی اسب هوخشتر پادشاه مادی بوده است.

ایلخی معروف کرمانشاه خیرالله خان سرتیپی بود که در منطقهٔ میان دربند در کوههای بیستون بوده است. گله خیرالله خان در حدود ۵۰ الی ۶۰ سال حدود ۱۰۰۰ رأس می رسد که اکثر آنها دارای یال و دم سفید رنگ بودند و به همین خاطر معروف به تیره یال و دم سفید سرتیپی معروف شده بودند. که البته از آن نژاد بسیار کم باقی مانده است.

تیرهٔ دیگری از نژاد اسب های کرد به نام افشاری و جاف معروف بود که متعلق به منطقه کردستان بود ولی بعلت ورود هجوم اسبهای آلوده عرب عراقی تماماً از بین رفته که به جرأت می توان گفت حتی یک رأس اسب خالص در منطقه کردستان و مخصوصاً در شهرستان سنندج وجود ندارد.

تیره بعدی اسب کرمانشاه معروف به سنجابی بود که در دشت سرسبز و سطح سنجابی توسط مرحوم دکتر کریم سنجابی و عسگر خان سنجابی نگهداری می شوند تعداد آن ها به ۲۵۰۰ رأس می رسید که به علت شیوع طاعون اسبی بیشتر آنها از بین رفتند.

به طور کل از نژادهای اسب ایرانی می توان به نژاد کرد، عرب ایرانی، اصیل ایرانی، ترکمن و کاسپین (خزری) نام برد. پیشینیان برای اسبهای خود احترام ویژه ای قائل بوده اند به شکلی که صاحب اسب تا ۱۲ نسل از نژاد پیشین اسب خود را می شناخته و هنگام مرگ اسبش بسیار غمگین می شده چرا که اسبش را حیوانی نجیب می شناخته است اما به توصیه همان پیشینیان به هنگام عصبانیت و خشم این حیوان نجیب، نزدیک شدن به آن توصیه نمی شود.

دوباره بایستی متذکر شویم که اسب در روزگاران قبل از ماشین و در تمام دنیای پیش و بعد از اسلام بعنوان یک ابزار ارزشمند بوده است به شکلی که انسان جان و جسم خود را به شهامت و استقامت این حیوان می سپارد. در این سبقتهای تاریخی و قهرمانی های تاریخ ساز این اسب اصیل ایرانی بود که تا آن پیشرفت و نادرشاه افشار تمدن ایران را بر پشت همین اسب اصیل ایرانی نهاد و به هندوستان برد و عباس میرزا توسط همین اسب ۱۷ شهر قفقاز را باز پس گرفت.

پس حیف است که ما امروزه این رفیق دلیر و تاریخ ساز را بی محلی کنیم و خدمات او را نادیده بگیریم. باید به یاد داشته باشیم که در میان میادین نبرد این اسب ایرانی است که یک روز تمام را همراه سوار خود می جنگید.

اسب ایرانی: غیورترین، فداکارترین، وفادارترین، مهربانترین و زیباترین اسب جهان

پان
پان